

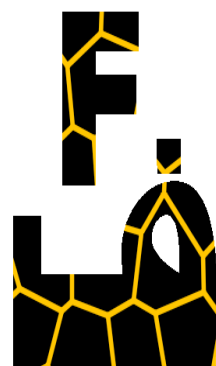
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د



فصل ادبیات بومی

درس پانزده



آدرس وبلاگ: [Formool-4.blog.ir](http://Formool-4.blog.ir)



این شاعر بزرگ روزگار خود را با اندوه و سختی و تنگدستی و تنهایی گذراند و در اشعار زیبا و دلکش او سوز و گداز این سال‌های تنهایی کاملاً مشخص است.

وی غزل‌سرایی بزرگی بود و در غزلیات خود از عشق‌های نافرجام، زندگی سخت و مصائب و مشکلات خود یاد کرده است. کلیات وحشی متجاوز از نه هزار بیت و شامل قصیده، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی است. وحشی دو منظومه عاشقانه دارد. یکی ناظر و منظور و دیگری فرهاد و شیرین یا شیرین و فرهاد به استقبال از خسرو و شیرین نظامی است.

مثنوی نخستین به سال ۹۶۶ به پایان رسید و ۱۵۶۹ بیت است و اما مثنوی دوم که از شاهکارهای ادب دراماتیک پارسی است، هم از عهد شاعر شهرت بسیار یافت لیکن وحشی بیش از ۱۰۷۰ بیت از آن را نساخت و باقی آن را وصال شیرازی شاعر مشهور سده سیزدهم هجری (م ۱۲۶۲) سروده و با افزودن ۱۲۵۱ بیت آن را به پایان رسانیده است. شاعری دیگر به نام صابر شیرازی بعد از وصال ۳۰۴ بیت بر این منظومه افزود.

دیوان اشعار او شامل ۹۰۷۶ بیت غزل، قصیده، قطعه، رباعی، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس و مثنوی است.

bikar



- ۱- وحشی بافقی روزگار خود را چگونه گذراند؟
- ۲- در غزلیات وحشی بافقی چه چیزی آورده شده است؟
- ۳- چرا وحشی بافقی برای به پایان رساندن مثنوی دوم خود، از وصال شیرازی کمک گرفت؟
- ۴- .....

«مُخَمَّس» ، واژه ای عربی به معنای پنج تایی یا پنج گانه است و اصطلاحاً به قالب شعری گفته می شود که به سیاق قالب «مسمط» پنج مصرعی سروده شده باشد؛ و بدین روی به این قالب «تخمیس به مسمط» هم می گویند.

اما تفاوت مخمس با مسمط در آن است که مصرع های اول، دوم و سوم از خود شاعر مخمس سرا و مصرع های چهارم و پنجم از شاعر متقدم است. به عبارت دیگر مصرعهای چهارم و پنجم، دو مصرع بیتی است که به شیوه «تضمین» عیناً در میان مخمس آورده شده است. بدین اعتبار، لزوماً مصرعهای اول، دوم و سوم می بایست هم قافیۀ مصرع چهارم یعنی همان مصرع اول بیت تضمین شده باشند.

در این رهگذر میتوانیم به مخمس معروف «شیخ بهایی»، با تضمین غزلی از «خیالی بخارایی»، اشاره کنیم:

تا کی به تمنای وصال تو یگانه      اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

خواهد به سر آید شب هجران تو یا نه      "ای تیر غمت را دل عشاق نشانه"

"جمعی به تو مشغول و تو فارغ ز میانه"

- ۱- یکی از مثنوی های وحشی بافقی را به کلاس بیاورید و آن را بخوانید.
- ۲- با استفاده از شعر های وحشی بافقی در کلاس خود یک مشاعره برگزار کنید.

## فعالیت های نوشتاری

- ۱- یک نمونه مخمس بیابید و معنی آن را بنویسید.
- ۲- هسته و نوع وابسته گروه های اسمی جمله زیر را بیابید.  
این سرزمین شهدای عزیزی را در دل خود گرفته است.
- ۳- منظور از کنایه های زیر چیست؟  
چهره بگشادن: پشت پا زدن:



نشانه های اختصاری : گاهی برای نوشتن برخی از عبارات ها و جملات، از حروفی که مختصر آن کلمات است ، استفاده می شود که به آن حروف، نشانه های اختصاری می گویند. مانند:

«ص» صلوات الله علیّه : درود و صلوات خدا بر او باد.



## خانه

اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه	تاکی به تمنای وصال تو یگانه
ای تیر غمت را دل عشاق نشانه	خواهد به سر آید، شب هجران تو یانه؟
جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه	
دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد	رفتم به در صومعه عابد و زاهد
که معتکف دیرم و گه ساکن مسجد	در میکده رهبانم و در صومعه عابد
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه	
زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار	روزی که برفتند حریفان پی هر کار
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار	من یار طلب کردم و او جلوه که یار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه	
هر جا که روم پر تو کاشانه تویی تو	هر در که زنم صاحب آن خانه تویی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو	در میکده و دیر که جانانه تویی تو
مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه	
پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید	بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید	عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
دیوانه منم من که روم خانه به خانه	
دیوانه برون از همه آیین تو جوید	عاقل به قوانین خرد راه تو پوید
هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید	تا غنچه بشکفته این باغ که بوید
بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه	
هر چند که عاصی است ز خیل خدمت توست	بیچاره بهائی که دلش زار غم توست
تقصیر خیالی به امید گرم توست	امید وی از عاطفت دم به دم توست
شیخ بهایی	یعنی که گنه را به از این نیست بهانه

